

باسمه تعالی

عنوان کرسی: تحلیل و بررسی عقل و عشق در متون ادبیات فارسی

ارائه دهنده: دکتر سلمان رحیمی (مدرس جامعه المصطفی العالمية)

ناقد اول: دکتر محمدرضا موحدی (دانشیار دانشگاه قم)

ناقد دوم: دکتر محمد فولادی (دانشیار دانشگاه قم)

مدیر کرسی: دکتر محمدرضا نیکزاد (مدرس جامعه المصطفی العالمية)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: دو شنبه (۲۹ خرداد ۱۴۰۲)، ساعت ۱۲-۱۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از دکتر رحیمی به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند. در ادامه، ارائه دهنده دکتر رحیمی به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

واژه عشق در بین عرفای متقدم با احتیاط بیشتری به کار برده شده است و سعی ایشان بر به کار نبردن این واژه بوده است. آنها کلمه محبت را بر اساس عبارت قرآنی «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» به جای واژه عشق برای ارتباط بین خالق و مخلوق استفاده می کرده اند؛ اما به تدریج این منع استفاده، از بین می رود و برخی صاحب نظران این عرصه، فصلی از کتابشان را به موضوع عشق در عرفان اختصاص می دهند و حتی تعدادی کتاب و رساله مستقل نیز در این باره نوشته می شود که سوانح العشاق غزالی و فی حقیقه العشاق یا مونس العشاق سهرودی از این جمله است. هیچ گونه تعارضی بین عقل به معنای روحانی و معاد اندیش آن با عشق وجود ندارد و عرفا بارها به این مسئله اشاره کرده اند. آنها آن جنبه از عقل را که جزئی نگر و مادی است، مذموم دانسته اند و جنبه روحانی عقل را مدح کرده و حتی در طی مسیر سالک به سوی خداوند، وجود آن را امری ضروری بر شمرده اند.

از نظر سیر تاریخی این موضوع نیز می‌توان به این مهم دست یافت که هر چند عرفای متقدم در به کار بردن کلمه عشق برای رابطه بین خدا و انسان به دلایل مختلف پرهیز می‌کرده‌اند که شرح کامل آن را هجویری در کشف المحجوب و قشیری در رساله قشریه آورده است، اما عرفای بعدی با به کار بردن این واژه به جای محبت و حتی تنظیم فصولی از کتابشان در همین باره و حتی نوشتن رساله‌ای مستقل در این باب، این منع تاریخی را از بین برده‌اند و در ادامه با مقایسه این موضوع به عنوان یکی از اضلاع در مسیر سیر و سلوک عرفانی با جنبه‌های مذموم و ممدوح عقل، آن را شرح و تفصیل داده‌اند.

از آنجا که عقل از منظرهای مختلف قابل بررسی و تحلیل است، هر کدام از عرفا و فلاسفه به جنبه‌هایی از آن پرداخته‌اند و چه بسا همین از منظرهای مختلف به این موضوع نگریستن، باعث وجود اختلافاتی در بین ایشان شده است.

در کل می‌توان از دو گونه عقل ممدوح و مذموم یاد کرد. عقلی که از نظر عرفا مذموم است و در مسیر سیر و سلوک عرفانی ناتوان و عاجز است، همان عقل جزئی نگر و معاش‌اندیش و عافیت‌طلب است که فقط قادر به درک عالم محسوسات و آن هم به صورت جزئی و ناقص است؛ این جنبه از عقل اصلاً قادر به شناخت و فهم عوالم ماورای عالم محسوسات نیست؛ هر چند این عقل در عالم ماده، راهگشا است، اما در مسیر عرفان، دست و پای سالک را برای رسیدن به هدف اصلی می‌بندد و بنابراین مذموم به حساب می‌آید. اما آن جنبه از عقل که با ستایس و تحسین عرفا همراه است، عقل سلیمی است که با ریاضت فکری و اخلاقی سالک، به مرحله‌ای رسیده است که قابلیت و توان در یافت علوم الهی از عقل دهم یا فعال را کسب کرده است؛ این مرتبه از عقل در نظر عرفا ممدوح و پسندیده است. عقلی که به مرحله عقل بالمستفاد رسیده است، از نظر عرفا هیچ‌گونه تعارضی با عشق ندارد، بلکه همسو با عشق، سالک را در طی کردن این مسیر الهی یاری می‌کند. در این باره می‌توان به نظریات شیخ نجم الدین رازی اشاره کرد که یکی از شرایط سالک را داشتن عقل می‌شمارد و همچنین یکی از ویژگی‌هایی که فرد برای احراز مقام شیخی در عرفان باید داشته باشد، بهره‌مند بودن از همین عنصر عقل است. مطمئناً منظور نجم الدین رازی در اینجا آن جنبه عافیت‌طلب و ترسوی عقل نیست، بلکه همان عقل بالمستفاد مد نظر وی است.

از نظر عرفا مذموم است و در مسیر سیر و سلوک عرفانی ناتوان و عاجز است، همان عقل جزئی نگر و معاش‌اندیش و عافیت‌طلب است که فقط قادر به درک عالم محسوسات و آن هم به صورت جزئی و ناقص است؛ این جنبه از عقل اصلاً قادر به شناخت و فهم عوالم ماورای عالم محسوسات نیست؛ هر چند این عقل در عالم ماده، راهگشا است، اما در مسیر عرفان، دست و پای سالک را برای رسیدن به هدف اصلی می‌بندد و بنابراین مذموم به حساب می‌آید.

با توجه به کتب عرفانی ماثور همچون رساله قشیری، کشف المحجوب، مرصاد العباد، کشف الاسرار، روضه المذنبین، انس الثائبین، کنوزالحکمه، رسائل ابن سینا و مصنفات شیخ اشراق، مشخص شد که ایشان هیچ‌گونه تعارضی بین عقل و عشق در مسیر سیر عرفانی قائل نیستند، بلکه با جنبه‌هایی از عقل معاش که بیشتر عافیت‌طلب و کوتاه‌نظر است، مخالفند و آن را در تعارض با عشق در مسیر سیر الی الله می‌بینند.

پس از ارائه تفصیلی دکتر رحیمی، ناقد اول دکتر محمدرضا موحدی در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- در ابتدا اگر بیان مسئله مطرح می شد و مشخص می شد که چه چیزی قرار است حل شود مقاله نوعی دیگر به نتیجه می رسید.
- بیشتر پیشینیان و گذشتگان این مطالب را گفته اند، امروز ما چه گام نویی برداشته ایم و چه مطلب جدیدی را می گوئیم.
- در مورد موضوع عقل مانند بسیاری از موضوعات دیگر ما مشکل تعریف را داریم و در مقام تعریف نتوانسته ایم آن را به خوبی تبیین کنیم.
- مقام اول ما توضیح اصطلاح عقل و عشق است در برابر اصطلاحات دیگر.
- مقاله دارای اشکالات ویراستاری در بخش ویرایش دستوری زبانی هست.
- از دکتر رحیمی تشکر میکنم که با جرات مسئله را طرح کردند.

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که دکتر محمد فولادی به موارد زیر پرداختند:

- موضوع انتخاب شده یک موضوع علمی و تربیتی است.
 - اصل موضوع مقاله بسیار ارزشمند است.
 - در مورد عقل مطالب مختلفی در کتاب های مختلف گفته شده است و مهم این است که اینها را بررسی و مقایسه کرد.
 - تقابل بین علم و عقل که صورت میگیرد کدام عقل هست، عقل کلی است، عقل جزئی است و اگر اینها گفته شود بسیار خوب است.
 - این موضوع بسیار گستره است و ارائه دهنده محترم در مجالی اندک به آن پرداخته است و نگاهشان به مناسبت به گوشه ای از آن می باشد و به مقتضای حال به این تحلیل و نتیجه رسیده اند.
 - به هر موضوع می توان دست کم از ۳۶۰ درجه نگاه کرد.
 - از هر طرف که به موضوع بنگریم طور دیگری موضوع را میبینیم.
- در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.